



این شماره تقدیم می‌شود به ساخت

شهید

سلیمان امیراحمدی

ویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۸۳
پنجشنبه ۷ خرداد ۱۴۰۵

جبهه
انرژی

کاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال



سرمقاله

اختلال در هرمز، قرارداد درواشنگتن

پایان دوران طلایی قطر در بازار انرژی آسیا؟

نااطمینانی در هرمز، ممکن است در کوتاه‌مدت ابزار فشار تلقی شود، اما در میان‌مدت می‌تواند به جایگزینی ساختاری منجر شود: خریداران آسیایی به سمت تنوع‌بخشی منابع، افزایش ذخیره‌سازی، قرارداد با تأمین‌کنندگان دورتر، یا حتی تسریع در سیاست‌های کاهش شدت انرژی حرکت می‌کنند. در این سناریو، برندگان معمولاً صادرکنندگانی هستند که از نظر مسیر حمل‌ونقل و ادراک امنیتی، کمتر در معرض گلوگاه‌های پرریسک قرار دارند و امروز آمریکا دقیقاً در حال بهره‌برداری از همین مزیت نسبی است. جمع‌بندی روشن است، جنگ و ناامنی در مسیرهای انرژی، تنها تولیدکنندگان منطقه‌ای را تحت فشار نمی‌گذارد؛ بلکه به بازیگران بیرونی اجازه می‌دهد با فروش امنیت عرضه، بازار را بازهم‌دستی کنند. مذاکرات تایلند با آمریکا یک نشانه کوچک اما معنادار از این بازهم‌دستی است؛ نشانه‌ای که می‌گوید در اقتصاد LNG، هر تضعیف در قابلیت اطمینان مسیر، به سرعت تبدیل به مزیت تجاری برای رقیب می‌شود. اگر قرار است بازیگران منطقه‌ای در این شطرنج بزرگ بازنده نباشند، باید امنیت انرژی را نه صرفاً ابزار فشار، بلکه بخشی از راهبرد پایدار اقتصادی ببینند؛ وگرنه، سهم بازاری بی‌سرو صدا از خلیج فارس به سمت خلیج مکزیک سر می‌خورد. ♦

حمل یا محدودیت‌های عملیاتی مستقیماً به ریسک اعتباری عرضه‌کننده تبدیل می‌شود. بازار LNG، برخلاف نفت خام، در بخش مهمی از مصرف (خصوصاً نیروگاه‌ها و صنایع) با مسئله امنیت تحویل گره خورده است؛ یعنی خریدار نمی‌تواند با وعده جبران در ماه بعد، خاموشی و اختلال تولید را مدیریت کند. در همین نقطه است که ایالات متحده از یک بحران منطقه‌ای، کره‌گیری اقتصادی می‌کند. آمریکا در نقش صادرکننده LNG، چند ویژگی دارد که در فضای پرریسک جذاب‌تر می‌شوند: اول، دسترسی به مسیرهای متنوع‌تر در اقیانوس اطلس و آرام و امکان برنامه‌ریزی منعطف‌تر بارگیری از پایانه‌های متعدد؛ دوم، ساختار تجاری مبتنی بر هنری‌ها و قراردادهای متنوع (از SPOT تا بلندمدت) که برای برخی خریداران آسیایی امکان پوشش ریسک را ساده‌تر می‌کند؛ سوم، ظرفیت رو به رشد تولید و صادرات که با پروژه‌های جدید در ساحل خلیج مکزیک تقویت می‌شود. نتیجه روشن است: هرچه ریسک ژئوپلیتیک در خلیج فارس بالا رود، پریمیوم امنیت به نفع LNG آمریکا عمل می‌کند و واشنگتن می‌تواند با پر کردن خلأ ذهنی و عملیاتی خریداران، سهم بازار رقیب را ببلعد. رفتار تایلند از منظر راهبری سبد انرژی کاملاً قابل فهم است. کشوری که بخشی معنادار از واردات LNG خود را از یک مبدأ متمرکز تأمین می‌کند، در زمان بحران ناچار می‌شود بین دو گزینه انتخاب کند: یا هزینه‌های اختلال را بپردازد (خاموشی، توقف تولید، افزایش قیمت برق)، یا هزینه بیمه‌نامه امنیت عرضه را با تنوع‌بخشی مبادی تأمین تقبل کند. مذاکره برای قراردادهای بلندمدت با آمریکا، عملاً خرید همین بیمه‌نامه است. این تصمیم الزاماً به معنای قطع قطر نیست؛ بلکه کاهش سهم قطر و افزایش انعطاف‌پذیری در سبد واردات است تا شوک‌های ژئوپلیتیک به بحران داخلی تبدیل نشود. از زاویه قطر، چالش اصلی تصویر قابلیت اتکا است. حتی اگر اختلال واقعی رخ ندهد، صرفاً بالا رفتن احتمال اختلال و ایجاد عدم قطعیت در ذهن خریداران، می‌تواند موجی از بازنگری در قراردادها و سیاست‌های خرید ایجاد کند. بازار LNG در سال‌های اخیر به سمت انعقاد قراردادهای بلندمدت جدید برگشته است؛ چون تجربه شوک‌های قیمتی و کمبود در اروپا و آسیا نشان داد اتکالی صرف به بازار اسپات، شکنندگی ایجاد می‌کند. در چنین دوره‌ای، از دست دادن چند قرارداد بلندمدت در آسیا می‌تواند اثرات بلندمدت‌تری از یک افت فروش مقطعی داشته باشد؛ زیرا قراردادهای بلندمدت هم جریان نقدی را تثبیت می‌کنند و هم قفل سهم بازار می‌سازند. اما پیام این ماجرا برای منطقه از جمله ایران فراتر از رقابت قطر و آمریکا است. هر کنش امنیتی در گلوگاه‌های انرژی، یک زنجیره پیامد اقتصادی دارد که لزوماً به نفع بازیگر منطقه‌ای تمام نمی‌شود. افزایش

♦ | بازار جهانی LNG بیش از هر زمان دیگری نشان می‌دهد که قیمت تنها خروجی معادله عرضه و تقاضا نیست؛ بلکه محصول مستقیم ریسک ژئوپلیتیک، بیمه حمل‌ونقل دریایی، قابلیت اطمینان زنجیره تأمین و ظرفیت انعقاد قراردادهای بلندمدت است. در چنین فضایی، هر اختلال در گلوگاه‌های راهبردی انرژی، می‌تواند نقشه سهم بازار را جابه‌جا کند. خبر مذاکرات تایلند برای حرکت به سمت قراردادهای بلندمدت LNG با آمریکا، با هدف کاهش وابستگی ۲۰ تا ۳۰ درصدی به قطر در صورت توقف صادرات این کشور، دقیقاً در همین چارچوب قابل تحلیل است؛ وقتی ریسک مسیر بالا می‌رود، خریدار به سمت فروشنده‌ای می‌رود که ریسک تحویل کمتری دارد؛ ولو قیمت پایه بالاتر باشد. قطر طی دو دهه گذشته یکی از ستون‌های ثبات بازار LNG بوده است؛ ترکیبی از ظرفیت تولید بالا، هزینه تمام‌شده رقابتی، زیرساخت صادراتی منسجم و توان بازاریابی با قراردادهای میان‌مدت و بلندمدت. اما مزیت قطر یک پیش‌فرض پنهان دارد: باز بودن مسیرهای دریایی و امکان حمل پیوسته از خلیج فارس به بازارهای آسیایی. هر سناریویی که ریسک عبور را افزایش دهد اعم از تهدیدات امنیتی، بسته شدن تنگه‌ها، جهش حق بیمه و کرایه

سیاست کلان

دیپلماسی در مدار تردید؛ ۱۱ بند توافق و معمای اعتماد

با این حال، واکنش‌های داخلی به این طرح نشان‌دهنده شکاف عمیق میان خوش‌بینی مذاکراتی و واقع‌بینی استراتژیک است. در حالی که علی باقری، معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی، ضمن خروج پرونده اورانیوم از دستور کار مذاکرات فعلی، بر تداوم تماس‌های غیرمستقیم با عمان برای سازوکار جدید عبور کشتی‌ها تأکید دارد، منتقدانی همچون فواد ایزدی هشدار می‌دهند که معامله تنگه هرمز با امتیازات اقتصادی محدود، می‌تواند به یک وعده سرخمرن دیگر بدل شده و بازدارندگی ایران را در برابر حملات احتمالی بعدی آمریکا کاهش دهد.

افشای ۱۱ محور تفاهم‌نامه ایران و آمریکا توسط میثم ظهوریان، نماینده مجلس، ابعاد جدیدی از گفت‌وگوهای پشت پرده را نمایان کرده است. این محورها که شامل مواردی نظیر اعلام خاتمه جنگ در لبنان، رفع محاصره دریایی و خروج نیروهای آمریکایی از محیط پیرامونی ایران ظرف ۳۰ روز، و در مقابل، بازگشایی تنگه هرمز توسط تهران در همین بازه زمانی است، یک مسیر ۶۰ روزه برای دستیابی به توافق نهایی را ترسیم می‌کند. وعده برنامه بازسازی ۳۰۰ میلیارد دلاری در صورت امضای توافق، در کنار رفع تدریجی تحریم‌ها و آزادسازی وجوه مسدود شده، ستون فقرات این تفاهم را تشکیل می‌دهد.

بازار جهانی و گلوگاه هرمز

نفت در غبار؛ تداوم عبور پنهانی و بازی با اعداد قیمتی

کرده است که اگر انسداد تنگه تا پایان ژوئن تداوم یابد، با تخلیه ذخایر تجاری و استراتژیک، قیمت برنت ابتدا به ۱۲۰ دلار و در نهایت به ۱۵۰ دلار در هر بشکه خواهد رسید. این شکنندگی در بازارهای فرآورده نیز دیده می‌شود؛ جایی که توقف ارسال سوخت روسیه به کوبا و سرگردانی نفتکش تحریمی «UNIVERSAL»، نشان می‌دهد که بحران در زنجیره تأمین سوخت، فراتر از خاورمیانه، نقاط دوردست را نیز تحت فشار شدید قرار داده است.

در میدان عمل، تنگه هرمز همچنان کانون نوسانات شدید بازار است. خاویر بالاس از عبور دو ابرنفتکش حامل نفت عربستان و امارات با ردیاب خاموش خبر داده که نشان‌دهنده تداوم وضعیت عبور پنهانی برای اجتناب از ریسک‌های عملیاتی است. واکنش بازار به این اخبار سریع بوده؛ به طوری که قیمت نفت برنت و WTI پس از انتشار اخبار تردد کشتی‌ها، به ترتیب با کاهش ۳.۸ و ۴.۴ درصدی به ۹۵.۸ و ۸۹.۷ دلار رسیده‌اند. با این وجود، مؤسسه بروکینگز در تحلیلی هشدارآمیز تأکید

زیرساخت و امنیت انرژی

ناترازی‌های زنجیره‌ای؛ از خاموشی‌های داخلی تا بحران ذخایر در اروپا

انرژی، مرزهای جغرافیایی را درنور دیده و اروپا را نیز در وضعیت اضطرابی قرار داده است. ذخیره‌سازی گاز در اروپا به دلیل تداوم بسته ماندن تنگه هرمز از برنامه عقب افتاده و موجودی گاز این قاره اکنون در سطحی قرار دارد که ۷۵ درصد کمتر از دوره‌ای است که به «زمستان سخت» شهرت یافت. این زنجیره از ناترازی‌های داخلی و بحران‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که امنیت انرژی جهان، بیش از هر زمان دیگری به توازن قوا در گلوگاه‌های استراتژیک وابسته شده است.

در حالی که گزارش‌ها از پایان آواربرداری و تعمیرات واحدهای پتروشیمی و بازگشت آن‌ها به ظرفیت تولید پیش از جنگ حکایت دارد، چالش‌های زیرساختی در بخش برق به شکل نگران‌کننده‌ای نمایان شده است. روز دوشنبه ۴ خرداد، مصرف برق برای نخستین بار در سال جاری با پیشی گرفتن حدود ۲ هزار مگاواتی از تولید، رکورد جدیدی از ناترازی را ثبت کرد؛ وضعیتی که با خروج ۳ هزار مگاوات تولید به دلیل حملات اخیر تشدید شده و یادآور ناترازی ۲۰ تا ۲۵ هزار مگاواتی در تابستان سال ۱۴۰۴ است. این تنش